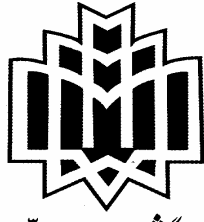


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه تربیت معلم

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه دین و فلسفه

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته علوم قرآنی و حدیث

عنوان

معرفت نفس در نصوص دینی
(قرآن کریم و روایات)

استاد راهنما :

دکتر عبد الوهاب شاهرودی

استاد مشاور :

دکتر سید احمد امام زاده

دانشجو:

حیدر اشرف آل طه

زمستان ۱۳۸۹

تقديم به :

چکیده

در این پایان نامه ابتدا برای نشان دادن گستردگی و اهمیت مقوله نفس، مهم‌ترین الفاظ و اصطلاحاتی که در قرآن کریم مترادف نفس به کار گرفته شده‌اند و نیز مفاهیمی که ملازم و همراه نفس استعمال شده‌اند که بیان‌کننده برخی از صفات آن هستند، به طور اختصار ذکر گردیده است.

سپس با بررسی جایگاه و نقش خودشناسی در علوم و دانشهای دیگر و مقایسه این معرفت با آن علوم، تأثیر و ارزش این معرفت یاد شده و ادعای نیازمندی و حتی تطابق این معرفت با برخی دیگر از علوم را به تقد کشانده و لزوم استقلال این علم از دیگر علوم و نیز توجه هرچه بیشتر به آن، مطرح و پیشنهاد شده است.

پس از آن با بیان معنا و مفهوم معرفت نفس و اشاره به اختلافات موجود در آن و ذکر مراتب و درجات این معرفت به امکان و البته عمق و دشواری آن اشاره شده و سپس با ذکر مهم‌ترین و معروف‌ترین آیات و روایاتی که به طور مستقیم و غیر مستقیم به خودشناسی توصیه و سفارش کرده‌اند، به بحث و بررسی و بیان اهمیت، ضرورت، نتایج و نیز مضرات ترك خودشناسی را از دیدگاه قرآن کریم و ائمه معصومین (ع) پرداخته شده و هم‌چنین در این میان به رابطه خودشناسی و خداشناسی اشاره شده و با نقل اقوال مختلف به قول مختار اشاره شده است.

کلید واژه : معرفت، نفس، روح، قرآن کریم، روایات

پاس و سپاس

پس آموزگارت مسیحای تست
دم پاکش افسون احیای تست
(ادیب نیشابوری)

مراتب تشکر و امتنان خود را نسبت به استادان ارجمند:

استاد راهنما

جناب آقای دکتر عبد الوهاب شاهرودی

استاد مشاور

جناب آقای دکتر سید احمد امام زاده

و نیز استاد گرامی جناب آقای دکتر عباس برومند اعلم و دیگر معلمانم که در طی تحصیل از خرمین آنان خوشه ها چیدم، ابراز می دارم.

بر خود فرض می دانم که از استادان داور (داخلی و خارجی) جنابان آقایان دکتر مجید معارف و دکتر شاکر لوایی که زحمت بررسی و مطالعه پایان نامه را بر خود هموار کرده اند، تشکر نمایم، و انتقادات و نکته های آنان را به گوش جان می نیوشم.

در پایان از زحمات مادر عزیزم را که مصداق بارز:

الفاظ نهاد و گفتن آموخت

یک حرف و دو حرف بر زبانم

می باشد و حمایت و همراهی پدرانم و نیز تحمل و همدلی های همسر گرامی را ارج می نهم.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	مقدمه (کلیات)
۱۰	بیان مسأله
۱۱	مسأله تحقیق
۱۱	ضرورت تحقیق
۱۲	پیشینه تحقیق
۱۶	روش تحقیق
۱۷	پیش فرضها
۱۸	اهداف و نتایج تحقیق

فصل اول: اصطلاحات و مفاهیم ملازم با نفس

۲۱	۱. اصطلاحات
----	-------------

- ۱-۱: نفس ۲۱
- ۲-۱: روح ۲۹
- ۳-۱: قلب ۳۵
- ۴-۱: فؤاد ۴۰
- ۵-۱: صدر ۴۴

۲- مفاهیم ملازم با نفس

- ۱-۲: توفی ۴۹
- ۲-۲: خواب ۵۲
- ۳-۱: فطرت ۵۶
- ۴-۱: خلقت ۵۸
- ۵-۱: حیات و ممات ۶۱
- ۶-۱: صفات و مراتب انسان ۶۳
- ۷-۱: معارف و درجات ۶۵

فصل دوم : معرفت نفس در علوم

- ۱- قبل از اسلام ۶۸
- ۲- معرفت نفس در علوم اسلامی ۷۲
- ۱-۲: خودشناسی در فلسفه ۷۲
- ۲-۲: خودشناسی در علم اخلاق ۷۶
- ۳-۲: خودشناسی در عرفان ۸۰
- ۳- خودشناسی و روانشناسی ۸۶

فصل سوم : مراد از معرفت نفس

- ۱- تفاوت علم با معرفت ۹۴
- ۲- معانی معرفت نفس ۹۷
- ۳- امکان معرفت نفس ۱۰۱
- ۴- مراتب و درجات معرفت نفس ۱۰۴
- ۵- دشوار بودن معرفت نفس ۱۰۶

فصل چهارم : معرفت نفس در قرآن کریم

- ۱- علیکم أنفسکم ۱۰۹
- ۲- آفاق و آنفس ۱۱۲
- ۳- خود و خدا ۱۲۰
- ۴- آیات خلقت انسان ۱۱۸

فصل پنجم : معرفت نفس در احادیث و روایات

- مقدمه ۱۲۳
- ۱- أنفع المعارف ۱۲۶
 - ۲- خودشناسی و خداشناسی ۱۳۹
 - ۳- فوائد و نتایج دیگر ۱۳۳
 - ۴- زنهار بر جهل به نفس ۱۳۶
 - ۵- حق و نفس ۱۳۸
- فهرست منابع و مآخذ ۱۴۵

مقدمه

کلیات

بیان مسأله

بشر با وجود تلاشهای بی حد و حصر در این سالهای فراوانی که صرف کسب و کشف دانش و آموخته ها کرده، هم چنان در برابر بسیاری از سؤالات موجود در جهان ناتوان است. و بدون شک یکی از مهمترین و پیچیده ترین این مسائل، ماهیت وجودی خود انسان است. و پاسخ به این سؤال اساسی و مهم که : من کیستم؟! است.

شناخت ماهیت و حقیقت انسان همواره از معضلات و مسائل اصلی و چه بسا لا ینحل انسان ها بوده و خواهد ماند. مسئله ای که باعث می شود انسان همواره در تکاپوی توجه و شناخت به خود باقی بماند. علاوه بر آن در آیات قرآن کریم و روایات منقول از معصومین (علیهم السلام) سفارشات اکید و توصیه های فراوانی بر خودشناسی و معرفت نفس دیده می شود. از این رو انتظار می رفت که انسان بیش از دیگر مسائل به خود و خود شناسی بپردازد.

اما به نظر می رسد با وجود این آیات و روایات متعدد هنوز آن گونه که بایسته و شایسته است به این معرفت گرانها و ارزشمند توجه نشده است و آن را مهمل رها کرده و حتی معنا و مفهوم آن نزد برخی از محققین هم مبهم و پوشیده مانده است.

کسانی هم که به این علم و معرفت پرداخته اند، آن را در کنار و لابه لای علوم دیگر قرار داده اند و برای آن مقدمات و لوازم اجباری قرار داده اند که چه بسا خودشناسی بدان ها نیازی نداشته باشد. گاهی هم به جای متن و اصل مباحث خودشناسی به عرضیات و مسائل

حاشیه ای پرداخته اند. بگذریم که برخی هم به کلی منکر وجود چنین معرفتی شده اند و راه و طریقت آن را پوشالی و به دور از حقیقت انگاشته اند!!

مسأله تحقیق

سوال اصلی این رساله به قرار ذیل است :

اهمیت، ضرورت و نتایج خودشناسی از دیدگاه قرآن کریم و احادیث معصومین چیست؟

سوالهای فرعی :

۱. الفاظ، اصطلاحات و مفاهیم ناظر به مقوله نفس کدامند؟
۲. نقش و جایگاه خودشناسی در علوم مختلف چیست؟
۳. آیا می توان خودشناسی را به عنوان علمی جداگانه و مستقل از دیگر علوم مطرح و بررسی کرد؟

ضرورت تحقیق

با توجه به آنچه که در بیان مسأله گفته شد ضروری به نظر می رسد که بار دیگر و بیش از پیش این سفارشات و توصیه ها شارع مقدس به خودشناسی را از نظر بگذرانیم و در مقصود و اهداف این کلام تأمل بیشتری کنیم و در کیفیت کسب این معرفت تلاش بیشتری نماییم. معرفتی که به رغم اهتمام فوق العاده قرآن و سنت، هنوز مهجور و مجهول مانده است. از طرفی دیگر با دقت در این نصوص به روشنی این نکته آشکار می گردد که تنها راه کسب برخی از معارف دینی صرفاً در خودشناسی منحصر می شود. و از آن گذشته عدم توجه به این معرفت و اهمال در آن ممکن است خطرات بزرگی را به دنبال داشته باشد. از این رو نیاز و ضرورت توجه به این معرفت دو سویه است، هم آثار و نتایج عظیمی بر آن مترتب می شود و هم ترک و اهمال آن ممکن است خطر آفرین باشد.

پیشینه تحقیق

فلاسفه، عرفا و علمای علم اخلاق و نیز در قرون اخیر روانشناسان به مقوله نفس اهتمام وافر داشته اند و آثار و تألیفات فراوانی در اثبات وجود آن، بررسی صفات و خصایص آن، پرورش و رشد استعدادهای آن و نیز حل مشکلات و بررسی آثار آن از خود برجای گذاشته اند. از کتاب " " ارسطو که این علم را به شکل مجزا و مدون مورد بررسی قرار داده تا تألیفات مختلف و متعدد ابن سینا (رساله نفس ، النفس الناطقه و احوالها ، النفس و العقل ، دانشنامه علائی ، الاشارات و التنبيهات ، فن ششم از طبیعیات شفا) که مربوط به علم

النفس است) و النجاه (که مختصر شفاست)^۱ از جمله مشهورترین این آثار و تألیفات است. حتی اکنون پایان نامه های متعددی نیز در این مقوله در دانشگاههای مختلف نیز تنظیم و دفاع شده است.^۲

تا آنجایی هم که تاریخ علوم انسانی به ما نشان می دهد علما، اندیشمندان، و بزرگان علوم مختلف نیز هر کس در حوزه تخصصی خود و به فراخور حال و وضعیت خود به مقوله نفس توجه کرده اند فیثاغورث، سقراط، افلاطون، و سپس ارسطو و ... از یونان باستان و اسحاق کندی، فارابی، ابن سینا، ابن عربی، ملاصدرا، غزالی، سید حیدر آملی، شیخ محمود شبستری، ملا احمد نراقی و ... از علمای قرون گذشته اسلامی، و از میان شعرای عارف حافظ، مولوی، ابن فارض مصری، میرزا حبیب خراسانی و ... در قرون اخیر سید علی قاضی طباطبائی، ملا حسینقلی همدانی، علامه سید محمد حسین طباطبائی (صاحب تفسیر المیزان)^۳ و شاگرد بارز وی سید محمد حسین طهرانی و ...، و از میان معاصرین زنده علامه جوادی آملی و حسن زاده آملی و ... به نفس و معرفت نفس توجه داشته اند و از برخی آثار گرانبهایی نیز بر جای مانده است.

اما هر چقدر که آثار و تألیفات علما و دانشمندان درباره نفس و اثبات وجود آن فراوان است، کتب و تألیفاتی که درباره معرفت نفس و خودشناسی دینی نگاشته شده نسبتاً

^۱ . سیاسی، علی اکبر، *علم النفس و تطبیق آن با روانشناسی جدید*، انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۳۳ ش، مقدمه.
^۲ . نیزاری، خدیجه، *نفس از دیدگاه قرآن و حدیث*، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد تهران شمال، ۱۳۷۶ ش و نیز مقرب، مینو، *نفس از دیدگاه قرآن و حدیث*، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد تهران مرکز، ۱۳۷۷ ش، برخی از این پایان نامه هاست.
^۳ . رک به : حسینی طهرانی، محمد حسین، *مهر تابان*، ص ۲۹ و ۸۴، مشهد، انتشارات علامه طباطبائی، چاپ سوم، سال ۱۴۱۸ ق.

اندک و محدود است. و اغلب در لابه لای کتب و ما بین شروح جوامع حدیثی و نیز در میان برخی تفاسیر و ... دیده می شده است.

کتاب ارزشمند معارج القدس فی مدارج النفس امام محمد غزالی (که اکنون با مشخصات: بیروت، دار الکتب الاسلامیة، الطبعة الاولى، سنه ۱۴۰۹ق- ۱۹۸۸م موجود است) به عنوان یکی از آثار اولیه که درباره این معرفت به طور مستقل نگاشته شده، می توان معرفی کرد. غیر از کسانی که در ضمن حدیث شریف " " به شرح و تفسیر این کلام در کتابی که مستقلا به معرفت نفس اختصاص ندارد پرداخته اند، رساله هایی نیز وجود دارند که مستقلا به شرح و ذکر معانی مختلف آن اختصاص دارند. (که در مهجوریت این معرفت همین بس که) اغلب این رساله ها نیز هنوز به شکل خطی و سنگی باقی مانده است.

برخی از این مؤلفین عبارتند از: احمد بن زین الدین احسائی (م ۱۲۳۵ق) و احمد بن صالح القطیفی (معاصر شیخ احسائی) شیخ علی بن احمد القطیفی (م ۱۲۸۷ق) نیز صدر الدین الکاشف الذرفولی (م ۱۲۵۶ق) هر یک رساله ای با عنوان (شرح حدیث من عرف نفسه فقد عرف ربه) مکتوب داشته اند^۱، اکنون هم دو رساله از شیخ احمد احسائی که اولی با همین عنوان (رساله هفتم از مجموعه ۲۴ رساله به شماره ثبت ۶۲۳۴۴) و دیگری با عنوان "المعارف الالهیه" (رساله سیزدهم از مجموعه ۱۴ رساله به شماره ثبت ۹۴۶۴) و نیز از ابن عربی با عنوان "رساله الوجودیه" (از مجموعه شجون المسجون به شماره ۱۱۳۶۲) و عبد الله بلیانی با عنوان "دایره الوجود" (به شماره ۱۰۰۳۱ چاپ سنگی) و نیز رساله دیگری با عنوان

^۱ . طهرانی، آقا بزرگ، *النریعة الی تصانیف الشیعة*، ج ۱۳، ص ۲۰۸-۲۰۹، بیروت، دار الاضواء، الطبعة الثانية، سنة ۱۳۷۸ ق.

"اصول من عرف" نوشته عماد الدین بن یونس (به شماره ثبت ۱۸۰۳) جزو مخطوطات در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.^۱

اما اخیراً توجه بیشتری به این معرفت شده و آثار و تألیفاتی مستقلی از نویسندگان مختلف برای شرح و بسط و اهمیت این معرفت به طبع رسیده است. که بی شک یکی از مشهورترین و زبده ترین نویسندگان این مقوله جناب علامه حسن زاده آملی است که اتفاقاً ایشان هم در این عرصه (همانند دیگر عرصه هایی که در آن ها تخصص دارد) کثیر التالیف هستند. به غیر از کتاب معروف (دروس معرفت النفس) کتابهای دیگری همچو: عیون مسائل النفس که با شرحی بر آن بنام "سرح العیون فی شرح العیون" (تهران، امیر کبیر، چاپ دوم، سال ۱۳۸۵). به چاپ رسیده است، و نیز "صد کلمه در معرفت نفس" (قم، انتشارات قیام، چاپ پنجم، ۱۳۷۶ش.)، "گنجینه گوهر روان" (قم، نشر طوبی، سال ۱۳۸۰ش.) و کتاب کوچک اما پر مغز و مفید "رساله انه الحق" (انتشارات قیام، چاپ دوم، سال ۱۳۷۹ش.) کتابهای مستقلی که درباره معرفت نفس از وی به چاپ رسیده است.

برخی دیگر از نویسندگان این عرصه عبارتند از: تقی ژاله فر با عنوان "مقدمه ای بر معرفت نفس از دیدگاه امیر المؤمنین" (انتشارات زنجان زرنگار، چاپ اول، بی تا)، شهربانو محلاتی با عنوان "معرفت نفس از طریق معرفت رب و سیر الی الله" (انتشارات احسن، چاپ اول، سال ۱۳۸۶ش.)، اصغر طاهر زاده "معرفت النفس و الحشر" (اصفهان، انتشارات جنگل، پائیز ۱۳۶۹ش.) و "ده نکته از معرفت نفس" (اصفهان، انتشارات لب المیزان، چاپ چهارم، سال ۱۳۸۸ش) و نیز "آشتی با خدا از طریق آشتی با خود راستین" (گروه فرهنگی المیزان،

^۱ . نگارنده نسخه های اسکن شده کامپیوتری را رویت کرده است.

چاپخانه عرفان، سال ۱۳۷۷ش)، امیر شیرزاد با عنوان خداشناسی در آئینه خودشناسی (کرمانشاه، انتشارات دانشگاه رازی، چاپ اول، سال ۱۳۸۶ش).

و شاید یکی از بهترین تألیفات موجود در این زمینه را می توان "رساله الولایه" اثر علامه سید محمد حسین طباطبائی معرفی کرد که با شرح و ترجمه صادق حسن زاده و با عنوان طریق عرفان به چاپ رسیده است (قم، مطبوعات دینی، سال ۱۳۸۳ش).

در پایان این پیشینه مختصر می بایست از رساله خانم عزت بیگم عقدانی که با عنوان "پژوهشی در احادیث معرفت نفس در منابع فریقین" و با راهنمایی دکتر نجارزادگان در دانشگاه اصول دین و در سال ۱۳۸۲ ش دفاع شده نیز یاد کرد.

روش تحقیق

رساله حاضر بر مبنای کار کتابخانه ای انجام شده و روش به کار رفته در آن تحلیل و توصیف است. و آن بدین شرح است که ابتدا نکات کلی و مباحث اصلی در مورد موضوع را با راهنمایی استاد محترم راهنما تدوین و تنظیم شد. سپس کتابها و منابع مورد نیاز را انتخاب، تهیه و مطالعه شد و نکات و مسائل مورد نظر و لازم در فیش هایی که برای این منظور تهیه شده بود، ثبت گردید و سرانجام داده های موجود را تحلیل و تفکیک کرده و با راهنمایی مداوم استاد گرانمایه و با استناد به داده های موجود در فیش ها، نگارش و تألیف پایان نامه انجام گردید.

پیش فرضها

با توجه به این که وجود نفس و مجرد آن^۱، از مسلمات دین اسلام است، و مبنای بسیاری از عقاید، احکام و نصوص در این دین محسوب می شود. علاوه بر آن اغلب قریب به اتفاق فرق و علمای مختلف اسلامی بدان معتقد و اشاره کرده اند^۲. و البته همان گونه که در سایر علوم نیز مرسوم است اثبات مقدمات علم جزو آن علم محسوب نمی شود؛ این دو را (وجود و مجرد نفس) به عنوان پیش فرض در این رساله قرار می دهیم. تا بیش آن که به اثبات وجود نفس پردازیم به بررسی معرفت نفس و شناخت این معرفت مشغول شویم.

آری بر این دو دلایل عقلی و نقلی فراوانی ذکر کرده اند که ذکر آن ها هم از موضوع این رساله خارج است (چه این که موضوع آن معرفت نفس است و نه خود نفس) و هم چنان فراوان است که خود بحث مفصلی می طلبد. لذا از ذکر این دلایل منصرف می شویم و طالبان آن ها را به منابع مذکور در پاورقی ارجاع می دهیم^۳.

1. غیر مادی و متافیزیکی بودن آن.

2. رک به: بهاء الدین محمد العاملی، *الأربعین*، ص ۶۳۰ - ۶۳۱ ترجمه شمس الدین محمد خاتون آبادی، چاپ دوم، تابستان ۱۳۷۳، انتشارات حکمت؛ _____، *کشکول*، ج ۲، ص ۴۹۹، تصحیح محمد صادق نصیری، بی تا، انتشارات شرکت طبع و نشر قم.

ایشان در توصیف این قول می نویسند: "این قول مختار اعظم حکمای الهی و پسندیده اکبر صوفیه و اشراقیین است و رأی اکثر متکلمین امامیه نیز بر آن قرار گرفته است مثل شیخ مفید و بنی نوبخت و خواجه نصیر الدین طوسی و شیخ جمال الدین مطهر حلّی و از اشاعره نیز جمعی با ایشان در اختیار این قول موافقت کرده اند، مثل راغب اصفهانی و محمد غزالی و امام فخر رازی. و این مذهبی است پسندیده و رایجی است شایسته که کتب اسمانی بر حسب آن نازل شده و احادیث مصطفوی به آن ناظر و به دلایل عقلیه و علامات حدسیه و مکاشفات ذوقیه معاضد است" (الأربعین، ص ۶۳۰-۶۳۱).

3. برای دلایل نقلی ببینید: مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۶۱، باب ۴۲ و رازی، فخر الدین، *التفسیر الکبیر* / *مفاتیح الغیب*، مج ۱۱، ص ۳۳ - ۳۶ در تفسیر آیه ۸۵ سوره اسراء، بیروت، دار الکتب العلمیه، الطبعة الاولى، سنة ۱۹۹۰م - ۱۴۱۱ق؛ دلایل عقلی را در حسن زاده آملی، حسن، *عیون مسائل النفس و شرح العیون*، عین ۱ و ۳، تهران، امیر کبیر، چاپ دوم، سال ۱۳۸۵ش؛ الشیرازی، محمد، *الحکمة المتعالیه فی الأسفار العقلیه الأربعة*، ج ۸، الباب الاول: البرهان علی وجود النفس، قم، طبعه النور، الطبعة الثانية، سنة ۱۴۲۸ق؛ ابن کمونه (متوفی ۶۸۳ هـ)، *أزلیة النفس و بقائها*، تصحیح و تحقیق انسیه برخواه، کتابخانه مرکز اسنادمجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۵ش؛ و هر دو را در: غزالی، محمد، *معارج القدس فی مدارج معرفة النفس*، بیروت، دار الکتب الاسلامیه، الطبعة الاولى، سنة ۱۴۰۹ق - ۱۹۸۸م.

اهداف و نتایج تحقیق

در این تحقیق سعی شده که با جمع آوری و استخراج آیات (که تا کنون کمتر مورد توجه قرار گرفته و بیشتر در همان تفاسیر مختلف باقی مانده بود) و روایاتی که درباره معرفت نفس تا کنون نقل شده اند، به اهمیت، ضرورت و نتایج خودشناسی از نگاه نصوص دینی اشاره کنیم. و نیاز و توجه انسان ها را به این معرفت بیش از پیش گوشزد کنیم. و البته این سخن را در حد توان به اثبات برسانیم که کسب این معرفت به علمی که تا کنون در آن ها مطرح بوده نیاز ندارد، به علمی همچو فلسفه، عرفان و حتی روانشناسی به عنوان مقدمه نیاز ندارد و خود به تنهایی می تواند به مثابه علمی مستقل از دیگر علوم مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

لذا همان گونه که ضرورت این تحقیق دو سویه است، اهداف و نتایج آن نیز دو سویه خواهد بود. یعنی خود شناسی به گونه ای است که هم توجه و کسب این معرفت ارزشمند و دارای نتایج گرانبهایی است، و هم غفلت و عدم توجه به آن نیز ممکن است خطراتی را برای انسان در پی داشته باشد. پس هدف از این تحقیق این دریک جمله این است که هم خود و دیگران را به خودشناسی دعوت و سفارش کنیم و به آن بیش از گذشته توجه کنیم و هم بدین وسیله خود و دیگران را از خطرات ترک و غفلت از خود مصون بداریم.

فصل اول :

اصطلاحات و مفاهیم ملازم با نفس

در قرآن کریم

مقدمه

به نظر می‌رسد که در متون اسلامی و بویژه در قرآن کریم به موضوع نفس و بعد روحانی انسان بیش از دیگر موضوعات و ابعاد انسانی اهمیت داده شده و آن را بعد اصلی که انسانیت انسان به آن وابسته است، معرفی و به حساب آورده است. نتیجه این اهتمام را در الفاظ و اصطلاحات و نیز تعابیر فراوانی که در قرآن کریم به اشکال مختلف و در موضوعات متفاوت به کار گرفته شده است، قابل رؤیت است.

در این فصل قصد داریم به الفاظ و اصطلاحاتی که ناظر به مقوله نفس هستند، و یا تعابیری که ملازم و همراه نفس در قرآن کریم استعمال می‌شوند، را بررسی و اشاره کنیم. تا گستردگی و نیز عمق مباحث نفس در قرآن کریم مشخص و معین گردد.

طبق بررسی‌های انجام شده (توسط نگارنده) در قرآن کریم به دو صورت کلی از الفاظ و تعابیر مرتبط به موضوع نفس یاد شده است. یا با لفظ و اصطلاح خاصی به نفس اشاره مستقیم داشته است، یا تعبیر یا اصطلاحی را به کار گرفته است که نفس، و بعد روحانی انسان یکی از لوازم و ضروریات آن اصطلاح است. پس این فصل را در دو بخش زیر ارائه می‌دهیم:

۱. استعمال لفظ یا اصطلاح خاص.

۲. استعمال تعبیری که وجود نفس یکی از لوازم یا ضروریات آن است.